

تأثیر روانشناسی شخصیت بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان

ابوذر فتاحیان فر^۱، فریده خلیل مقدم^۲، محدثه امیری^۳، نرگس فرهنگند^۴، رقیه خالدي^۵

^۱ دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی از دانشگاه خوارسگان اصفهان

^۲ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

^۳ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

^۴ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

^۵ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر روانشناسی شخصیت بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان بود. روانشناسی شخصیت به عنوان شاخه‌ای از علم روان‌شناسی که به مطالعه و توصیف ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌پردازد، می‌تواند نقش بسزایی در درک رفتارها، انگیزه‌ها و عملکردهای فردی در محیط‌های آموزشی ایفا کند. شناخت ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان، از جمله درون‌گرایی، برون‌گرایی، سازگاری و توانایی مدیریت استرس، به مربیان کمک می‌کند تا راهبردهای آموزشی و تربیتی مناسب‌تری را طراحی و اجرا نمایند. این مطالعه با مرور سیستماتیک پژوهش‌های پیشین در حوزه روانشناسی شخصیت و آموزش، به تبیین ارتباط بین ابعاد مختلف شخصیت با موفقیت تحصیلی و پرورش خلاقیت در دانش آموزان پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که بین عوامل درون‌فردی، بین‌فردی، سازگاری و مدیریت استرس با خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، توجه به روانشناسی شخصیت در محیط‌های آموزشی می‌تواند به عنوان یک راهبرد مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش و شکوفایی استعدادهای دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: روانشناسی شخصیت، دانش آموزان، عملکرد تحصیلی، خلاقیت، سازگاری، مدیریت استرس.

مقدمه

انسان به عنوان پیچیده‌ترین موجود هستی، همواره مورد کنجکاوی و مطالعه دانشمندان علوم مختلف بوده است. با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی، هنوز ابعاد ناشناخته بسیاری در وجود انسان باقی مانده است. از بدو تولد، فرد در یک بافت اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد که به موازات محیط فیزیکی، در شکل‌دهی به ساختار وجودی او نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. در این میان، هدف اصلی تعلیم و تربیت، نه تنها انتقال اطلاعات، بلکه آموزش شیوه‌های صحیح تفکر و پرورش توانایی‌های ذهنی و عاطفی است (افروز، ۱۳۷۴).

روانشناسی شخصیت به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی روان‌شناسی، به مطالعه علمی تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های پایدار شخصیتی می‌پردازد. این ویژگی‌ها می‌توانند تأثیر عمیقی بر نحوه یادگیری، تعامل با دیگران، مدیریت چالش‌ها و نهایتاً موفقیت تحصیلی و شغلی افراد داشته باشند. برای مثال، گلمن (۱۹۹۹) بر نقش هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی در موفقیت‌های زندگی تأکید می‌ورزد. به باور وی، هوش هیجانی که شامل توانایی درک و مدیریت هیجانات خود و دیگران است، می‌تواند حتی از هوش شناختی (IQ) در دستیابی به موفقیت، اهمیت بیشتری داشته باشد.

در محیط آموزشی، دانش‌آموزان با شخصیت‌های متنوعی حضور دارند. برخی برون‌گرا، اجتماعی و مشتاق تعاملند، در حالی که برخی دیگر درون‌گرا، محتاط و نیازمند فضایی آرام برای یادگیری هستند. شناخت این تفاوت‌ها به معلمان کمک می‌کند تا روش‌های تدریس و مدیریت کلاس را به گونه‌ای تنظیم کنند که نیازهای همه دانش‌آموزان را پوشش دهد. علاوه بر این، پرورش خلاقیت به عنوان یکی از اهداف متعالی نظام‌های آموزشی، می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی قرار گیرد. بنابراین، این پژوهش به بررسی تأثیر روانشناسی شخصیت بر عملکرد و خلاقیت دانش‌آموزان می‌پردازد.

ادبیات تحقیق

مبانی نظری روانشناسی شخصیت

روانشناسی شخصیت به مطالعه الگوهای نسبتاً پایدار فکر، احساس و رفتار می‌پردازد که یک فرد را از دیگری متمایز می‌سازد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۰). نظریه‌پردازان بزرگی همچون فروید، یونگ، آیزنک و کاستا و مک کری (با مدل پنج عاملی شخصیت) سهم به‌سزایی در توسعه این حوزه داشته‌اند. مدل پنج عاملی شخصیت که شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق پذیری و وجدان است، به عنوان یکی از معتبرترین مدل‌ها در توصیف شخصیت شناخته می‌شود.

روانشناسی شخصیت و آموزش

تحقیقات متعددی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و موفقیت تحصیلی را بررسی کرده‌اند. برای مثال، دانش‌آموزانی که از وجدان بالاتری برخوردارند (منظم، سخت‌کوش و باانضباط)، معمولاً عملکرد بهتری در مدرسه دارند (Zhang & Sternberg, 2005). همچنین، برون‌گرایی با مشارکت بیشتر در فعالیت‌های گروهی و کلاسی مرتبط است، در حالی که درون‌گرایی ممکن است با تمرکز عمیق‌تر بر تکالیف فردی همراه باشد.

هوش هیجانی به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با شخصیت، توجه بسیاری را در حوزه آموزش به خود جلب کرده است. مایر و سالووی (۱۹۹۳) هوش هیجانی را به عنوان توانایی درک، بیان، استفاده و مدیریت هیجانات تعریف می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند دانش‌آموزانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، بهتر می‌توانند با استرس‌های تحصیلی کنار بیایند، روابط اجتماعی بهتری برقرار کنند و در نتیجه، عملکرد تحصیلی مطلوب‌تری داشته باشند (زیدنر و همکاران، ۲۰۰۵).

خلاقیت و شخصیت

خلاقیت به عنوان توانایی تولید ایده‌های نو و ارزشمند، از جمله اهداف مهم نظام‌های آموزشی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین برخی از ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت رابطه وجود دارد. به عنوان مثال، گشودگی به تجربه از عوامل پیش‌بینیکننده قوی خلاقیت است (Averill, 1999). افراد خلاق اغلب کنجکاو، ماجراجو و پذیرای ایده‌های جدید هستند. علاوه بر این، خلاقیت هیجانی که به معنای توانایی تجربه و ابراز هیجانات به شیوه‌های نو و اصیل است، نیز با ویژگی‌های شخصیتی مانند انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری مرتبط دانسته شده است (Ivcevic et al., 2007).

پیشینه پژوهشی

در یک مطالعه داخلی، کریمی و بشارت (۱۳۸۹) به مقایسه نارسایی هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی پرداختند. نتایج نشان داد دانش‌آموزان تیزهوش در پردازش و بیان هیجانات خود توانایی بیشتری دارند. در پژوهش دیگری، خوئینی (۱۳۸۴) رابطه بین سبک‌های تفکر و خلاقیت را مورد بررسی قرار داد و دریافت که سبک‌های تفکر قانون‌گذارانه، قضایی و آنارشیست با خلاقیت رابطه مثبت دارند.

در حوزه پژوهش‌های خارجی، مایر و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که دانش‌آموزان با هوش هیجانی بالاتر، در شناخت احساسات خود و دیگران و استفاده از این شناخت در هدایت رفتار، تواناترند. چان (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که روانشناسی شخصیت بر ادراک دانش‌آموزان تیزهوش از خلاقیت خود تأثیر مستقیم دارد. زیدنر و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای دریافتند که سطح هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش بالاتر از دانش‌آموزان عادی است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات مروری-تحلیلی است که با هدف بررسی تأثیر روانشناسی شخصیت بر دانش‌آموزان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مطالعات و مقالات منتشر شده در حوزه روانشناسی شخصیت و آموزش در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ شمسی و ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی شامل SID, Magiran, Google Scholar, PubMed, PsycINFO با استفاده از کلیدواژه‌های "روانشناسی شخصیت"، "دانش‌آموزان"، "عملکرد تحصیلی"، "خلاقیت"، "هوش هیجانی" و معادل انگلیسی آنها جستجو شد. معیار ورود مطالعات به پژوهش، مرتبط بودن با موضوع تحقیق و داشتن روش‌شناسی صحیح بود. در نهایت، داده‌های مدنظر استخراج و به روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج تحقیق

بر اساس یافته‌های حاصل از مرور پیشینه تحقیق، نتایج زیر در خصوص تأثیر روانشناسی شخصیت بر دانش‌آموزان به دست آمد:

۱. **عوامل درون‌فردی و خلاقیت:** بین ویژگی‌های درون‌فردی مانند خودآگاهی، انگیزش درونی و اعتماد به نفس با خلاقیت دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دانش‌آموزانی که از خودآگاهی بالاتری برخوردارند، بهتر می‌توانند نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و از این شناخت در جهت تولید ایده‌های نو استفاده کنند (گلمن، ۱۹۹۹؛ چان، ۲۰۰۵).
۲. **عوامل بین‌فردی و خلاقیت:** مهارت‌های بین‌فردی، از جمله همدلی، توانایی کار گروهی و مهارت‌های ارتباطی، بستر مناسبی برای تبادل ایده‌ها و پرورش خلاقیت فراهم می‌آورند. دانش‌آموزانی که می‌توانند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار کنند، امکان بهره‌گیری از دیدگاه‌های متنوع را یافته و تفکر واگرای خود را تقویت می‌کنند (فاچز و همکاران، ۲۰۰۷).
۳. **سازگاری و خلاقیت:** توانایی سازگاری با موقعیت‌های جدید و انعطاف‌پذیری شناختی، از عوامل کلیدی در خلاقیت به شمار می‌روند. دانش‌آموزانی که از انعطاف‌پذیری بالاتری برخوردارند، در مواجهه با مسائل، راه‌حل‌های متنوع‌تری را بررسی کرده و کمتر در چارچوب‌های rigid تفکر محدود می‌شوند (Averill, 1999).
۴. **مدیریت استرس و خلاقیت:** دانش‌آموزانی که توانایی مدیریت استرس و کنترل هیجانات منفی را دارند، فضای ذهنی آرام‌تر و متمرکزتری برای تفکر خلاق دارند. استرس مزمن می‌تواند توانایی شناختی و انعطاف‌پذیری ذهنی را که برای خلاقیت ضروری است، کاهش دهد (زیدنر و همکاران، ۲۰۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که روانشناسی شخصیت نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد تحصیلی و سطح خلاقیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. ویژگی‌های شخصیتی نه تنها بر نحوه یادگیری و تعامل دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، بلکه در پرورش مهارت‌های حیاتی مانند حل مسئله، تفکر نقاد و خلاقیت نیز مؤثر است.

شناسایی ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان می‌تواند به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی کمک کند تا محیط‌های یادگیری غنی‌تر و متنوع‌تری ایجاد کنند. برای مثال، برای دانش‌آموزان درون‌گرا می‌توان فرصت‌های بیشتری برای تفکر و فعالیت فردی فراهم کرد، در حالی که برای دانش‌آموزان برون‌گرا، فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های مشارکتی می‌تواند انگیزاننده قوی‌تری باشد.

همچنین، آموزش مستقیم مهارت‌های مرتبط با هوش هیجانی، از جمله خودآگاهی، همدلی و مدیریت استرس، می‌تواند به عنوان یک جزء مکمل در برنامه درسی مدارس گنجانده شود. چنین آموزش‌هایی نه تنها به بهبود فضای روانی-اجتماعی مدرسه کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت دانش‌آموزان فراهم می‌سازد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به صورت مطالعات طولی و آزمایشی به بررسی اثر مداخلات آموزشی مبتنی بر روانشناسی شخصیت بر پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان بپردازند. همچنین، توجه به نقش متغیرهای واسطه‌ای و تعدیل‌گر مانند فرهنگ و سبک‌های فرزندپروری در این رابطه، می‌تواند به درک جامع‌تری از پدیده مورد مطالعه منجر شود.

منابع

۱. افروز، غ. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. باباعلی، ف. (۱۳۸۴). مقایسه سبک‌های تفکر و رابطه آن با خلاقیت در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و هنر دانشگاه‌های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
۳. جوکار، ب.، و البرزی، م. (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۶(۱)، ۱-۱۵.
۴. خوئینی، ف. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و خلاقیت دانشجویان. فصلنامه علمی-تخصصی مدیریت، ۵، ۷۷-۷۲.
۵. کریمی، م.، و بشارت، م. ا. (۱۳۸۹). مقایسه نارسایی هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. مجله علوم رفتاری، ۳(۳)، ۲۷۹-۲۸۶.
6. Alborzi, S., & Ostovar, S. (2007). Thinking styles of gifted and nongifted students in Iran. *Psychological Reports*, 100(3), 1076-1082.
7. Averill, J. R. (1999). Individual differences in emotional creativity: Structure and correlates. *Journal of Personality*, 67(2), 331-371.
8. Chan, D. W. (2005). Self-perceived creativity, family hardiness, and emotional intelligence of Chinese gifted students in Hong Kong. *Journal of Secondary Gifted Education*, 16(2-3), 47-56.
9. Fuchs, G. L., Kumar, V. K., & Porter, J. (2007). Emotional creativity, alexithymia, and styles of creativity. *Creativity Research Journal*, 19(2-3), 233-245.
10. Goleman, D. (1999). *Working with emotional intelligence*. Bantam Books.
11. Ivcevic, Z., Brackett, M. A., & Mayer, J. D. (2007). Emotional intelligence and emotional creativity. *Journal of Personality*, 75(2), 199-235.
12. Mayer, J. D., & Salovey, P. (1993). The intelligence of emotional intelligence. *Intelligence*, 17(4), 433-442.
13. Mayer, J. D., Perkins, D., Caruso, D. R., & Salovey, P. (2001). Emotional intelligence and giftedness. *Roeper Review*, 23(3), 131-137.
14. Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2000). *Kaplan & Sadock's Comprehensive Textbook of Psychiatry* (7th ed.). Lippincott Williams & Wilkins.
15. Ziedner, M., Shani-Zinovich, I., Matthews, G., & Roberts, R. D. (2005). Assessing emotional intelligence in gifted and non-gifted high school students: Outcomes depend on the measure. *Intelligence*, 33(4), 369-391.
16. Zhang, L. F., & Sternberg, R. J. (2005). A threefold model of intellectual styles. *Educational Psychology Review*, 17(1), 1-53.